

باز کاوی مفهوم «قرض حسن» در قرآن مجید

tayyebhoseini@rihu.ac.ir

ک سید محمود طیب حسینی / دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
مطهره سادات طیب حسینی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران
دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از مفاهیم قرآنی که جایگاه ویژه‌ای در میان مفاهیم ناظر بر روابط اجتماعی میان مسلمانان در جامعه اسلامی دارد، مفهوم «قرض حسن» است. ترکیب وصفی «قرضاً حسناً» شش بار، و با فعل آن از باب افعال مجموعاً دوازده بار در قرآن مجید آمده است. مقاله حاضر درصدد است با روش تحلیلی، به واکاوی این مفهوم در فرهنگ عرب و قرآن پردازد و رابطه این مفهوم قرآنی را با تلقی عمومی و دیدگاه مفسران از آن ارزیابی کند. حاصل پژوهش آن است که «قرض حسن» از نظر مفهوم، انواع تعامل نیک با دیگران را شامل می‌شود، و «قرض حسن به خدا» هر نوع عمل خداپسندانه را دربر می‌گیرد؛ اما در بافت قرآن مجید صرفاً درباره خدا به کار رفته است و در همه موارد کاربردش، مؤمنان با این تعبیر، به کمک‌های مالی به پیامبر ﷺ به منظور دفاع از دین و جامعه اسلامی یا گسترش دین در زمین یا اطاعت از پیامبر ﷺ سفارش و تشویق شده‌اند. در روایات اهل بیت ﷺ نیز این مفهوم قرآنی به تقدیم مال به امامان معصوم ﷺ با همان دو هدف یادشده تفسیر شده است، که در عصر غیبت قابل تعمیم به کمک‌های مالی به فقیهان جامع‌الشرایط یا حاکم مشروع (ولی فقیه) به منظور تحقق همان دو هدف است.

کلیدواژه‌ها: قرض حسن، قرض الحسنه، انفاق فی سبیل الله، مفاهیم قرآن، صله دادن به امام.

یکی از دانش‌های ابزاری که نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد، دانش واژه‌شناسی قرآن است که اغلب با عنوان مفردات قرآن شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم مهم قرآن مجید ناظر به زندگی اجتماعی مؤمنان، مفهوم قرض حسن است. این مفهوم شش بار در شش سوره مختلف مکی و مدنی آمده و در برخی موارد در ردیف اقامه نماز و پرداخت زکات قرار گرفته است. تلقی رایج در میان عموم مردم از مفهوم «قرض حسن» در قرآن نیز همان قرض دادن به برادران مؤمن است و دیدگاه مشهور نزد مفسران، مقصود از آن را مطلق انفاق در راه خدا می‌داند. مقاله حاضر درصدد است مفهوم قرآنی «قرض حسن» را در فرهنگ عربی و قرآن مجید بررسی کرده، صحت دیدگاه مفسران در تفسیر این مفهوم را ارزیابی کند.

پیشینه

درباره قرض‌الحسنه در قرآن سه مقاله زیر قابل توجه است: ۱. مقاله «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری - روایی»، تألیف مجید حبیبیان نبی، که در شماره ۱۶ مجله اقتصاد اسلامی منتشر شده است. مؤلف در این مقاله به‌درستی قرض‌الحسنه در میان مردم را بیگانه از دلالت آیات مشتمل بر عبارت «قرض حسن» دانسته و محور اصلی بحث وی در مقاله‌اش اثبات مشروعیت قرض‌الحسنه در اسلام با استفاده از دلالت دیگر آیات قرآن است. ۲. مقاله «الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، تألیف وحید مقدم و همکاران، که در شماره ۶۵ همان مجله منتشر شده است. برخلاف مقاله نخست، مؤلفان این مقاله مقصود از «قرض حسن» در قرآن را همان قرض‌الحسنه در فرهنگ اسلامی، یعنی اعطای قرض بدون ربا به مردم دانسته‌اند. رویکرد اصلی مقاله اخیر تبیین جایگاه قرض‌الحسنه به مردم در نظام اقتصاد اسلامی است و برای این منظور، علاوه بر استناد به آیات مشتمل بر تعبیر «قرض حسن»، به آیات دیگر قرآن، از جمله آیات مربوط به دین، غرامت و... نیز استناد کرده‌اند. ۳. مقاله «بازخوانی مفهوم قرض در قرآن کریم با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی»، تألیف عباس مصالایی‌پور، محمدحسن و محمدحسین شیرزاد، که در شماره ۱۸ مجله مطالعات اقتصاد اسلامی (۱۳۹۶) منتشر شده است. مؤلفان در این مقاله مفهوم قرض را مبتنی بر علم انسان‌شناسی اقتصادی معنا کرده و نتیجه گرفته‌اند که «قرض» نوعی مبادله اقتصادی است که مبادله‌گران از طریق تملیک بخشی از اموال خود به یکدیگر و جریان آن، بعد از مدتی در مسیر تقویت همکاری‌های جمعی حرکت می‌کنند و قرض ابزاری برای پی‌ریزی جامعه‌ای منسجم‌تر و همبسته‌تر است؛ اما در قرآن، خداوند متعال با قرار دادن خویش در جایگاه قرض‌گیرنده، درصدد دور ساختن مخاطبان از منطقی‌های اقتصادی متعارف، یعنی سودمحوری و اصالت بخشیدن به اموال است. بنابراین در این مقاله نیز مقصود از «قرض حسن به خدا» قرض دادن مال به مردم دانسته شده است. تفاوت مقاله حاضر با سه مقاله یادشده در این است که این مقاله مفهوم «قرض» و «قرض حسن» را در فرهنگ عربی تحقیق کرده، سپس به صورت موضوعی و با تکیه بر سیاق مجموعه آیات، مقصود از این تعبیر را در قرآن مجید بررسی می‌کند و در ضمن این بررسی، به ارزیابی

دیدگاه مفسران می‌پردازد؛ در حالی که موضوع مقاله نخست، اثبات مشروعیت قرض الحسنه به مفهوم اقتصادی‌اش در قرآن با استناد به آیات غیر مشتمل بر عبارت «قرضاً حسناً» است و دو مقاله اخیر نیز سه تفاوت با مقاله حاضر دارند: نخست آنکه در هر دو مقاله مفهوم قرض بدون توجه به سیاق آیات و به صورت موضوعی در قرآن بررسی شده است؛ دوم آنکه از نظر نتیجه نیز کاملاً میان آن دو مقاله و مقاله حاضر تفاوت وجود دارد و سوم آنکه در مقاله حاضر روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرض حسن مورد توجه قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش بحث در بررسی مفهوم «قرض حسن» در مقاله حاضر تحلیل محتواست.^۱ برای این منظور، ابتدا دیدگاه‌های مفسران گزارش و ارزیابی می‌شود؛ پس از آن به مضمون روایات اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر مفهوم مورد بحث اشاره شده، سپس با تکیه بر فرهنگ‌های لغت عربی و خود قرآن مجید معنای مقصود از این تعبیر در قرآن مجید کشف می‌گردد.

مروری بر دیدگاه‌ها درباره معنای «قرض حسن»

پیش از تحقیق درباره معنای «قرض حسن» در فرهنگ عرب و قرآن، لازم است دیدگاه‌های موجود درباره تفسیر این مفهوم از نظر گذرانده شود؛ با ذکر این نکته که از مفسران صحابه دیدگاه خاصی در زمینه تفسیر «قرض حسن» ارائه نشده است.

۱. **اتفاق در راه جهاد در راه خدا:** این دیدگاه نخستین بار از سوی مفسر تابعی، ابن زید (د ۷۵ق) در ذیل آیه ۲۴۵ سوره بقره مطرح شده (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۴۴۳) و مقبول برخی مفسران متأخر، مانند فخر رازی (د ۶۲۴ق) و پاره‌ای مفسران معاصر افتاده است؛ مثلاً عبده نیز همین معنا را برای این مفهوم در سوره بقره برگزیده و مقصود از آن را هر نوع اتفاق مالی در راه جهاد یا عملی که موجب اعتلای امر دین شود و امت مسلمان را حفظ کند و دشمنان را از تجاوز به حریم دین اسلام و مسلمانان بازدارد، دانسته است (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۶۲). سید قطب نیز با اشاره به اینکه در قرآن غالباً «قرض حسن» با جهاد در راه خدا همراه شده، در این دست از آیات آن را به اتفاق در راه جهاد معنا کرده است (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۱۵)؛ اما هر دو مفسر در ذیل آیه ۱۲ سوره مائده، «قرض حسن» را به ترتیب به اتفاقات مستحب و مطلق اتفاق در راه خدا تفسیر کرده‌اند (همان، ج ۲، ص ۸۵۸).

۲. **انفاقات مستحبی در راه پر و نیکوکاری:** این دیدگاه نیز نخستین بار از سوی حسن بصری، مفسر تابعی معروف (د ۱۱۰ق) ارائه شده (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، ص ۴۴۳) و بیشترین تأثیر را در تاریخ تفسیر بر مفسران متأخر گذاشته است؛ مثلاً شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)، طبرسی (د ۵۴۸ق)، علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم از مفسران معاصر، این تفسیر را ترجیح داده‌اند (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۰۸ و ۶۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۴؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۲۵). فخر رازی نیز با تعبیر «اعم از اتفاق واجب و مستحب»، همین دیدگاه را ترجیح داده است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹۹).

۳. **مجاهده و تلاش در راه خدا به علاوه انفاق در راه خدا:** در این دیدگاه، «قرض حسن»، هم به تلاش عملی و بدنی در راه خدا و هم انفاق در راه خدا تفسیر شده است. گویا طبری (د ۳۰۷ق) نیز که در تفسیر این عبارت از انفاق در راه خدا و کمک به ضعیفا یا تقویت مجاهد فقیری که اراده جهاد در راه خدا را دارد، سخن گفته، به این دیدگاه گرایش یافته است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۷۱).

۴. «**إقراضُ الله**»: کنایه از هر عملی است که شخص با آن خواهان پاداش باشد، و در آیه ۲۴۵ سوره بقره مقصود از آن، جهاد در راه خداست یا مالی که در راه جهاد هزینه شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹۱ - ۲۹۲؛ طبرسی ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۵۴). قرشی، از مفسران معاصر شیعه، نیز دیدگاهی نزدیک به همین دیدگاه را اختیار کرده است: می‌توان گفت همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض حسن‌اند که آنها به خدا تحویل می‌شوند و خدا در مقابل آنها پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۰۷).

۵. **انفاقات واجب:** فخر رازی دومین دیدگاه در تفسیر «قرض حسن» را انفاقات واجب در راه خدا گزارش کرده است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹۹).

۶. **انفاقات واجب و غیر واجب:** برخی از مفسران مقصود از قرض حسن در قرآن را برابر با مفهوم زکات در قرآن دانسته و آن را شامل انواع انفاقات، اعم از واجب و مستحب، شمرده‌اند. طیب، از مفسران معاصر شیعه، این دیدگاه را انتخاب کرده و با تعمیم آن به جمیع انفاقات واجب و مستحب، متأثر از روایات اهل بیت (ع) خمس و هزینه برای مراسم سوگواری اهل بیت (ع) را نیز از مصادیق آن برشمرده است:

«قرض حسن» جمیع انفاقات واجبه و مستحبه را که در شریعت مطهره اسلام مقرر شده، شامل می‌گردد؛ مانند زکات و خمس و نفقه و واجب‌النفقة و صدقه مستحبه و صله رحم و احسان به فقرا و ایتام و سادات و اعلای کلمه دین و مصارف حج و زیارات و سوگواری خاندان عصمت و طهارت و اعانت به اهل علم و نشر کتب علمیه و سایر مصارف خیریه، که هر یک در حد خود عبادتی بزرگ و دارای ثواب بسیار است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۹۹).

۷. **عبادت و ذکر خدا:** بعضی نیز مقصود از «قرض حسن» را نه انفاقات مالی، بلکه عباداتی چون ذکر تسبیحات اربعه دانسته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۹۹).

۸. **قرض دادن بدون ربا به بندگان خدا:** تفسیر «قرض حسن» به قرض دادن به بندگان خدا که اقتضای تقدیر یک مضاف در آیه دارد (یقرضُ عباد الله)، ظاهراً ابتدا از سوی کاشفی (د ۹۱۰ق) در تفسیر **مواهب علیّه** مطرح شد (بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱)، و پس از وی ملافتح‌الله کاشانی (د ۹۸۸ق) در **منهج الصادقین** بیان کرد (بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳) و در همان زمان مورد نقد جرجانی در **تفسیر شاهیه** قرار گرفت (ر.ک: جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۶۲)؛ سپس برخی مفسران و نویسندگان معاصر به این تفسیر گرایش یافته‌اند. نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ تشریع قرض‌الحسنه در قرآن» می‌نویسد:

اولین دستور پیرامون قرض‌الحسنه، در آیه ۲۰ سوره مزل اعلام شده که تاریخ نزول آن مصادف با سال‌های اولیه بعثت است و تعداد مسلمانان بسیار اندک و احتمالاً در حدود چهل نفر بوده است. تشریع قرض‌الحسنه در

جامعه اسلامی آن زمان نشانگر آن است که در همان جامعه کوچک، گروهی دارای ثروت و مکتت و طایفه‌ای فاقد امکانات امرار معاش و فاقد شغل و کار و کاسبی بوده‌اند و خداوند مسئله قرض‌الحسنه را تشریح می‌کند و صاحبان سرمایه و بضاعت و کار و کاسبی را تشویق می‌کند تا بخشی از سرمایه خود را به‌عنوان قرض در اختیار نیازمندان قرار دهند (دعوتی، ۱۳۸۳، ص ۳ و ۴).

نویسنده دیگری با نقد نظر علامه طباطبایی که «قرض حسن به خدا» را به انفاق در راه خدا تفسیر کرده، مقصود از «قرض حسن» را همان وام اصطلاحی به بندگان خدا دانسته است (ر.ک: پویان، ۱۳۹۳، ص ۲۸ - ۳۱). از مفسران معاصر شیعی، بانو امین (بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۰)، ثقفی تهرانی، صاحب تفسیر *روان جاوید* (۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۰۹)، و ملکی میانجی، صاحب تفسیر *منهاج البیان* (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۳)، «قرض حسن» در قرآن را به وام دادن به بندگان خدا تفسیر کرده‌اند. از مترجمان قرآن به زبان فارسی نیز فولادوند آن را به قرض دادن به بندگان خدا ترجمه کرده است (۱۴۱۸، ص ۳۹).

۹. **صله دادن به امام معصوم:** اشکوری، مؤلف *تفسیر شریف لاهیجی*، از مفسران معاصر شیعه، متأثر از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، «قرض حسن» در آیه ۲۴۵ سوره بقره را به صله دادن به امام تفسیر می‌کند و می‌نویسد: منظور از «قرض حسن» صله دادن به امام است؛ و مراد از «صله»، ادای حقوق امام از قبیل پرداخت خمس و غیر آن است (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۳۷). ثقفی و ملکی میانجی نیز علاوه بر تفسیر آن به قرض دادن به بندگان خدا، تحت تأثیر روایات اهل بیت علیهم‌السلام، صله دادن به امام معصوم را نیز یکی از مصادیق قرض حسن دانسته‌اند (ملکی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۹۳). ثقفی می‌نویسد: «ظاهر آیه، علاوه بر صله‌الامام، شامل قرض‌الحسنه و هر صله و برّ و احسان مالی است که به قصد قربت واقع شود؛ چون تمام آنها معامله با خداست (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۰۸).

اینها تقریباً همه دیدگاه‌هایی‌اند که مفسران در تفسیر «قرض حسن» بیان داشته‌اند و از میان آنها دو تفسیر، مطلق انفاق در راه خدا، و قرض دادن مال به بندگان خدا، از شهرت بیشتری برخوردار است. همچنین بیشتر مفسران - به جز مفسرانی که ذیل آیه ۲۴۵ سوره بقره به انفاق در راه جهاد تفسیر کرده‌اند - تعبیر صریح آیه در قرض دادن به خدا را تأویل برده و بدون دلیل کافی، به انفاق در راه خدا یا قرض دادن به بندگان خدا معنا کرده‌اند؛ درحالی‌که دهه‌ها آیه در قرآن مجید درباره انواع انفاقات واجب و مستحب و پاداش آنها آمده است.

با توجه به روایات منقول از اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر «قرض حسن به خدا» به ارسال درهم و صله دادن به امام معصوم، انتظار بود که مفسران شیعه بالاتفاق قرض حسن را مطابق روایات اهل بیت علیهم‌السلام تفسیر کنند؛ اما از مفسران شیعه تعداد اندکی آیه را با توجه به روایات ائمه علیهم‌السلام به صله دادن به امام تفسیر کرده یا یکی از مصادیق مهم آن دانسته‌اند و اغلب از «قرض حسن» تفاسیری شبیه مفسران اهل سنت ارائه داده‌اند. نکته متمایز در تفاسیر شیعی این است که برخی مفسران شیعه تحت تأثیر روایات اهل بیت علیهم‌السلام، صله دادن به امام را یکی از مصادیق «قرض حسن» یا برترین مصداق آن دانسته‌اند. همچنین تفسیر «قرض حسن» در قرآن به قرض‌الحسنه دادن به بندگان خدا، تنها در تفاسیر شیعی متأخر و عمدتاً معاصر مشاهده می‌شود.

معنای «قرض حسن» در فرهنگ عرب

به منظور دریافت دقیق معنای «قرض حسن»، نخست لازم است این مفهوم در فرهنگ عرب بررسی و بازکاوی شود. معنای اصلی ماده «قرض»، بریدن و جدا کردن بخشی از یک چیز است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۱؛ ازهری، بی تا، ج ۸، ص ۲۶۶؛ فیومی، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۴۹۱). احتمالاً در اصل، بریدن با دندان نیش بوده است؛ و به خرده‌های نان و لباس که موش ریزریز می‌کند، «قُرْاضه» گویند (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۹). قیچی را نیز بدین جهت مقراض گفته‌اند که وسیله بریدن و جدا کردن است و «قُرْاضه» به سرپیچی‌هایی گفته می‌شود که خیاط از پارچه دور می‌ریزد (ازهری، همان؛ ابن منظور، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۲۱۶). «انقرض القوم» نیز یعنی آن قوم درگذشتند و از زندگی جدا و بریده شدند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۰۱). به شعر گفتن (نطق الشعر/ قول الشعر) نیز قرض گویند. «قُرِضَتُ الشعر»، یعنی شعر گفتم (فراهیدی، همان؛ جوهری، همان)؛ سپس مشتقاتی از این ماده، مجازاً در معنای مدح یا مذمت دیگری به کار رفته است و این احتمالاً بدان سبب بوده که غالباً شاعران با قطعه شعری دیگری را مدح یا هجو می‌کرده‌اند. همچنین به هر کار نیک یا بدی «قرض» گویند (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۰۲). ترکیب «قرض حسن» نیز در کاربردی مجازی به معنای عمل نیک است در مقابل «قرض سیئ» به معنای عمل بد. زجاج (۳۱۲دق) گوید: قرض حسن هر عمل نیک یا بد را گویند. امیه گفته است:

كُلُّ امرٍ سَوْفَ يَجْزَى قَرْضُهُ حَسَنًا أَوْ سَيِّئًا وَ مَدِينًا مِثْلَ مَا دَانَا

هر فردی به‌زودی پاداش عمل خود را خواه نیک باشد یا بد، می‌بیند؛ و همان‌گونه که عمل کرده است، جزا داده می‌شود.

در بیت دیگری آمده است:

تَجَاوَزَى الْقُرُوضُ بِأَمْثَالِهَا فَبِالْخَيْرِ خَيْرًا وَ بِالشَّرِّ شَرًّا

قرض‌ها (اعمال و رفتار) به‌مانند خودشان پاداش داده می‌شوند. به قرض نیک پاداش نیک و به قرض بد (رفتار بد) پاداش بد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۳۹).

در بیت نخست «قرض» به «حسن» و «سیئ»، و در بیت دوم به «خیر» و «شر» وصف شده است. این توصیف شاهد آن است که مقصود از «قرض»، فقط وام دادن مال نیست. اخفش نیز گفته است: عرب به هر کسی که درباره او کار خیری انجام دهد، می‌گوید: «قد أحسنت قرضی» یا «قد أقرضتني قرضاً حسناً». باب تفاعل این کلمه در باره مدح و ذم نیز به کار می‌رود. «هما يتقارضان المدح» یا «هما يتقارضان الخیر و الشر»؛ یعنی هر یک از این دو دیگری را مدح یا مذمت می‌کند. باب مفاعله این کلمه نیز به معنای بدگویی کردن از کسی و دشنام دادن به کار رفته است، «إِنْ قَارَضْتَ النَّاسَ قَارِضُوكَ»؛ یعنی اگر مردم را دشنام دهی، تو را دشنام می‌دهند (مجازات می‌کنند. و به عمل یا سخن بد نیز «قِرَاض» گویند. باب افتعال این کلمه (اقتراض) نیز به معنای عیب‌جویی و غیبت کردن به کار می‌رود (ازهری، بی تا، ج ۸، ص ۴۶۷؛ زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۶ و ۸۳). کاربرد این کلمه درباره وام

دادن مال به دیگری نیز شایع بوده است. باب افعال این کلمه در مورد مال یا هر چیزی به کار می‌رود که انسان به دیگری عطا کند و بر آن پاداش داده شود (ابن منظور، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۲۱۷). همچنین گویند: «وَاسْتَقْرَضْتُ مِنْ فُلَانٍ، فَأَقْرَضَنِي»؛ یعنی از فلانی مالی را به قرض خواستم و او به من قرض داد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۰۲). همچنین اهل حجاز به مضاربه، «مقارضه»، و به مالی که برای مضاربه و تجارت به دیگری قرض می‌دهند، «قراض» گویند؛ زیرا تجارت، اغلب از طریق مسافرت و قطع و پیمودن زمین (قَرْضَ فِی الارض) انجام می‌گرفته است (زمخشری، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹۱).

از بررسی معانی و کاربردهای مختلف «قرض» در فرهنگ عربی به دست می‌آید که اولاً معنای عام واژه «قرض»، قطع و جدا کردن است؛ ثانیاً واژه «قرض»، در معنای قرض دادن مال به دیگری نیز به کار رفته است؛ ثالثاً ترکیب وصفی «قرض حسن»، در معنای رفتار و تعامل نیکو و حمایت‌گرانه و مدح‌آمیز با دیگری به قصد دریافت پاداش به کار رفته است، که شامل مساعدت مالی نیز می‌شود. در مقابل، «قرض سیئ» به معنای رفتار سوء و عیب‌جویانه و مذمت‌آمیز است؛ رابعاً باب افعال این ماده، پیش از تفسیر، به دو معنای قرض دادن مال به دیگران و هم تعامل غیرمالی، اعم از زبانی و یاری بدنی و رفتاری با دیگران، به کار رفته است و می‌تواند با دو وصف «حسن» یا «سیئ» همراه شود و بر مدح و حمایت زبانی و یاری بدنی یا مذمت عدم حمایت نیکوی زبانی یا عدم کمک بدنی نیکو، دلالت کند.

نسبت دادن قرض به خداوند در قرآن

حاصل بررسی لغوی این شد که فعل «أقرض» در ترکیب «أقرضَ قرضاً حسناً» به دو معنا قابل تفسیر است: ۱. مالی را به نیکویی به دیگری قرض دادن تا پس از مدتی آن را به قرض‌دهنده بازگرداند؛ ۲. به نیکویی و به‌طور شایسته زبان به مدح و حمایت از دیگری گشودن و به او کمک و یاری رساندن، تا به نیکویی به وقت نیاز، او هم از شما حمایت کند و به شما یاری رساند. جامع این هر دو معنا، به نیکویی از دیگری حمایت کردن و به او یاری رساندن است، با دو مصداق یاری و حمایت مالی و مجاهدت بدنی. حال سؤال این است: هنگامی که سخن از «قرض حسن به خدا دادن» به میان می‌آید - مثلاً أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً - مقصود چیست؟ با توجه به منزه بودن ذات خدا از نقص و نیاز و صفات آدمیان.

در پاسخ باید گفت: این عبارت قابلیت تفسیر به وجوه مختلفی دارد؛ از جمله: ۱. با تقدیر «عباد الله»، مقصود قرض مالی به بندگان خدا باشد؛ ۲. با تقدیر «عباد الله»، مقصود یاری بندگان خدا باشد؛ ۳. با تقدیر «عباد الله»، مقصود هرگونه انفاق مال و کمک بلاعوض به بندگان خدا باشد؛ ۴. بدون تقدیر، مقصود این باشد که مؤمنان کمک مالی خود را در اختیار پیامبران و حجت‌های الهی قرار دهند تا آنان در راه خدا هزینه کنند؛ ۵. مقصود، مجاهدت در راه خدا و دین خدا و یاری پیامبران و حجت‌های الهی باشد؛ ۶. مقصود، اطاعت و بندگی و عمل به دستورات دینی باشد؛ چه اینکه اطاعت از دستورات الهی، خود نوعی یاری کردن خدا و مجاهدت در راه خداست.

اینها احتمالات معنایی مختلفی است که زبان آیه قابلیت پذیرش آنها را داشته است و تقریباً همه آنها از سوی مفسران بیان شده‌اند. ترجیح هر یک از این وجوه بر معانی دیگر، نیازمند شاهد و قرینه است و مهم‌ترین قرینه، سیاق آیات و بررسی موضوعی عبارت مورد بحث در قرآن مجید است.

بررسی معنای «قرض حسن» در قرآن

بعد از بررسی لغوی مفهوم «قرض حسن»، لازم است معنای این واژه در قرآن بررسی و مقصود نهایی از این مفهوم با توجه به سیاق آیات کشف شود. این مفهوم به صورت «قرض حسن» شش بار در قرآن مجید آمده و در همه موارد فعل آن از باب افعال با صیغه‌های ماضی و مضارع و امر است (أقرضتم، أقرضوا، تقرضوا و أقرضوا، هر کدام یک بار، و یقرض دو بار). از آنجا که ممکن است فضای نزول آیه در فهم مقصود از «قرض حسن» کمک کند، در این بخش موارد کاربرد «قرض حسن» در قرآن مجید را به ترتیب نزول بررسی می‌کنیم. معیار ترتیب نزول سوره‌ها نیز روایت عطا خراسانی از ابن عباس است که صحیح‌ترین روایت در میان روایات ترتیب نزول بوده و طبرسی (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۲ - ۶۱۴؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰ - ۲۸۲) به آن اعتماد کرده است:

آیه اول: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِّ اللَّيْلِ وَبَصَفَهُ وَثَلَّثَهُ... عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَبُوا مَا تَيْسَّرُ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مزل: ۲۰)؛ همانا پروردگارت می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب و نیم آن و یک سوم آن را به نماز برمی‌خیزی... می‌داند که برخی از شما بیمار و برخی دیگر به جست‌وجوی فضل خدا (روزی) در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می‌کنند. پس هر چه میسر شود، از آن بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و خدای را قرض دهید، قرضی نیکو؛ و هر کار نیکی که برای خویشتن پیش فرستید، آن را نزد خدای باز یابید (به پاداش آن می‌رسید)؛ که آن بهتر و مزدش بزرگ‌تر است؛ و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است. این آیه در سوره مکی مزل آمده است. با اینکه سوره مزل طبق روایت پیش گفته، سومین سوره نازل شده در مکه است، اما نزول این آیه شریفه بنا به نظر برخی مفسران، به فاصله شش ماه یا ده سال بعد از نزول بخش نخست سوره نازل شده است (ر.ک: طباطبایی، ج ۲، ص ۷۴؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۲۶). در این آیه، خدای تعالی مؤمنان را به جای شب‌زنده‌داری در حدود نیمی از شب، به قرائت قرآن در حد ممکن، اقامه نماز، پرداخت زکات و قرض‌الحسنه دادن به خدا امر کرده است. در اینجا دو قرینه نقش روشنی در تعیین معنای «قرض حسن» دارند: الف) هم‌نشینی «آتیتم الزکاة»؛ ب) «یقاتلون».

توضیح آنکه «زکات» در قرآن مجید، به‌ویژه در آیات و سور مکی، به معنای هرگونه انفاق مال در راه خداست (قرشی، ج ۳، ص ۱۷۰). زمان و فضای نزول آیه شریفه نیز مکه است که هنوز در آنجا زکات واجب تشریع نشده بود.

بنابراین مقصود از زکات در آیه شریفه، مطلق انفاقات، و مقصود از «قرض حسن» معنایی غیر از آن است؛ زیرا اگر به معنای مطلق انفاق یا انفاق مستحبی در راه خدا باشد، مستلزم تکرار خواهد بود و این برخلاف بلاغت قرآن است.

قرینه دوم، هم‌نشینی «یقاتلون» در آیه است که تعیین‌کننده مقصود از «قرض حسن» در میان معانی و مصادیق مختلف این واژه است. غرض آیه شریفه، سفارش مؤمنان به قرائت قرآن در همه احوال زندگی به‌قدر ممکن است. برای این منظور، خبر می‌دهد که بعد از این (سیکون) برخی مردم بیمار می‌شوند؛ برخی به سفر تجاری می‌روند و برخی در راه خدا به جنگ می‌پردازند. هر سه گروه به هر مقدار که برایشان میسر است، قرآن بخوانند؛ نماز اقامه کنند؛ اموال خود را به‌منظور تزکیه روح در راه خدا به نیازمندان انفاق نمایند و به خدا قرض حسن دهند. در اینجا، امر به اقامه نماز و پرداخت زکات به‌عنوان عبادت بدنی و مالی خداوند - که دو بخش اصلی از احکام عملی دین را شکل می‌دهند - همانند مواضع فراوان در قرآن، در کنار هم آمده و یک واحد مستقل از دیگر اجزای آیه به‌شمار می‌آیند؛ از این رو به قرینه «یقاتلون»، قرض حسن به خدا به مقاتله و کارزار در راه خدا مربوط می‌شود و هم به‌معنای کمک مالی و هم مجاهدت بدنی و جانی در راه خدا قابل تفسیر است.

افزون بر این با توجه به کاربردهای لغوی «قرض حسن» که به‌معنای کمک و احسان فردی به فرد دیگر است، تعبیر قرض دادن به خدا در شش آیه قرآن، در اصل باید مستقیماً به خود خداوند مرتبط باشد؛ و از آنجا که خدای تعالی منزّه از هرگونه نیاز و فقر است، این کمک و احسان باید به چیز منتسب به خدا، مثلاً دین خدا یا پیامبر خدا ﷺ باشد؛ چنان‌که در برخی از آیات، بیعت با پیامبر ﷺ یا اطاعت از ایشان، بیعت با خدا و اطاعت از او شمرده شده است (ر.ک: فتح: ۱۰؛ نساء: ۸۰). بنابراین مطابق این استدلال عقلی و قرینه سیاقی، مقصود از قرض دادن به خدا، درواقع کمک مالی یا مجاهدت بدنی به پیامبر ﷺ به‌منظور یاری دین خدا خواهد بود.

آیه دوم: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره: ۲۴۵)؛ کیست که خدای را قرض دهد، قرضی نیکو، تا او را افزون دهد افزونی‌های بسیار؟ و خدا [روزی را] تنگ و فراخ می‌کند، و بازگشت شما به سوی اوست.

سوره بقره هشتاد و ششمین سوره قرآن و نخستین سوره نازل‌شده در مدینه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳) که تاریخ نزول آن در دو سال اول بعد از هجرت بوده است. در این آیه، خداوند با یک جمله پرسشی مؤمنان را به قرض حسن به خدا تشویق می‌کند و در ازای آن، وعده می‌دهد که قرض حسن آنان را با پاداش چندین برابر به آنان بازخواهد گرداند و قبض و بسط زندگی آدمیان به دست اوست. سیاق این آیه - که قبل از آن، آیه امر به قتال و جنگ آمده - به‌روشنی دلالت دارد که این قرض به خدا، مربوط به کمک مردم به جنگ و جهاد در راه خداست؛ و ذیل آیه که قبض و بسط زندگی را به دست خدا می‌داند، مقصود از قرض را به مصداق مالی آن انصراف می‌دهد. به همین دلیل، برخی مفسران، مانند عبده (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۶۲)، سیدقطب (۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۵)، بلاغی (۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۴)، صابونی (۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۴۱) و برخی دیگر، «یقرض الله قرضاً حسناً» در این آیه را به انفاق مال در راه جهاد و تأمین هزینه جنگ و دفاع از حوزه اسلامی تفسیر کرده‌اند.

آیه سوم: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید: ۱۱)؛ کیست که خدای را قرض دهد، قرضی نیکو؟ تا او را دوچندان باز دهد و او را مزدی گرانمایه باشد.

آیه چهارم: «إِنَّ الْمُضَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعِفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید: ۱۸)؛ همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنان که خدای را قرض دادند قرضی نیکو، به آنان دوچندان باز داده شود و ایشان مزدی گرانمایه دارند.

سوره حدید هشتمین سوره نازل شده در مدینه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳) و سومین سوره مشتمل بر مفهوم «قرض حسن» است و دو بار تعبیر قرض حسن به خدا دیده می‌شود. در آیه ۱۱ این سوره، در تعبیری مشابه با سوره بقره، با کلمه پرسشی باز مؤمنان به قرض حسن دادن به خدا تشویق شده‌اند؛ سپس از وعده پاداش دوبرابری آن سخن گفته شده است، به علاوه مزد کریمانه؛ و در آیه ۱۸ همین سوره، خداوند از مردان و زنانی که صدقه می‌پردازند و به خدا قرض حسن می‌دهند، تمجید کرده و به آنان وعده پاداش دوبرابری و مزد نیکو داده است. سیاق این آیات به روشنی بر جهاد در راه خدا دلالت دارد و آیه ۱۰ این سوره صریحاً از انفاق مؤمنان قبل از فتح و بعد از فتح، همراه با کارزار در راه خدا یاد کرده است. مقصود از «فتح» در این آیه، چه ماجرای صلح حدیبیه باشد و چه فتح مکه (ر.ک: طبری، ج ۲۷، ص ۱۲۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶، ص ۲۰۴)، مقصود از انفاق قبل از فتح و بعد از فتح و شرکت کردن در جنگ و جهاد، کمک‌های مالی مسلمانان برای تأمین هزینه جنگ دو غزوه یاد شده خواهد بود. صدر آیه ۱۰ «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قرینه روشنی است که معنای «قرض حسن» در این آیه را از مجاهدت بدنی به کمک مالی انصراف می‌دهد.

آیه ۱۸ این سوره نیز از سیاق آیات قبل و بعد از آن جدا نیست. در نتیجه، مقصود از قرض حسن در این آیه نیز همان مقصود آیه ۱۱ است. به علاوه در آیه ۲۵ همین سوره که سیاقی متصل به آیه ۱۸ دارد، از اهداف رسالت پیامبران، یعنی اقامه (محافظت از) قسط و میزان و انزال آهن و یاری خدا و پیامبرانش، سخن به میان آورده است. بنابراین می‌توان از این آیه و سیاق نتیجه گرفت که «قرض حسن» در معنای موسّع خود به کار رفته و از کمک‌های مالی یا کمک مالی و غیرمالی به پیامبر ﷺ برای جنگ و جهاد در راه خدا و دفاع از کیان حاکمیت دین فراتر رفته است و علاوه بر موارد یاد شده، هرگونه کمک مالی و غیرمالی به پیامبران به منظور ترویج دین خدا در زمین و اقامه قسط و عدالت و محافظت از عدالت در میان مردم را نیز شامل می‌شود.

آیه پنجم: «إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعِفْ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ خَلِيمٌ» (تغابن: ۱۷)؛ اگر خدای را قرض دهید قرضی نیکو، آن را برای شما دوچندان کند و شما را بیامرزد؛ و خدا سپاس‌دار و بردبار است.

سوره تغابن مطابق بیشتر روایات ترتیب نزول، مدنی است و بیست و چهارمین سوره نازل شده در مدینه است. علامه طباطبایی این سوره را از نظر نظم و سیاق، شبیه سوره حدید دانسته است (۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۹۴؛ نیز ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۵۴۴). فحوی آیات و سیاق سوره نشان می‌دهد که تمام سوره یکباره و آیات آن پشت سر

هم و در شرایط و فضای واحدی نازل شده است (دروزه، همان). مطابق سیاق سوره و روایات سبب نزول، این آیه نیز با جهاد در راه خدا و حمایت از پیامبر ﷺ و دین خدا در ارتباط است. آیه ۱۲ این سوره، مؤمنان را به اطاعت از خدا و رسول فراخوانده، و در آیه ۱۴، برخی از همسران و فرزندان مؤمنان را دشمنان آنان معرفی کرده و مؤمنان را از آنان برحذر داشته است. مطابق روایات اسباب نزول، آیه ۱۴ خطاب به مؤمنانی است که به دلیل دلسوزی و محبت به خانواده‌های خود، از هجرت به سوی پیامبر ﷺ با شرکت در جهاد دست کشیدند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۲؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۵۵۲)؛ سپس در آیه ۱۶، مؤمنان را به رعایت تقوا در حد توان و شنیدن و اطاعت و انفاق مال امر کرده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ» و در آیه ۱۷ آنان را به قرض حسن دادن به خدا ترغیب می‌کند و وعده می‌دهد که اگر به خدا قرض حسن دهید، خداوند آن را برای شما دوبرابر می‌کند گناهانتان را می‌آمرزد و خداوند، خوب سپاسگزار و بردبار است. بدین ترتیب، به حکم سیاق آیات می‌توان نتیجه گرفت که در این سوره نیز منظور از انفاق مال، همه انفاقاتی است که یک فرد مؤمن به بندگان خدا می‌بخشد و مقصود از «قرض حسن»، انفاقات و جهادی است که در راه اطاعت از خدا و پیامبر و جهاد و هجرت در راه خدا و دفاع از دین خدا یا گسترش دین خدا انجام می‌دهد.

آیه ششم: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...» (مائدة: ۱۲)؛ و هر آینه خداوند از فرزندان یعقوب پیمان گرفت؛ و از ایشان دوازده مهتر و سرپرست برانگیختیم؛ و خدای گفت: من با شما، اگر نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان آورید و ایشان را یاری کنید و بشکوه دارید و خدای را قرضی نیکو دهید، هر آینه بدی‌های شما را از شما بزدایم...

ششمین مورد کاربرد قرض الحسنه در سوره مائدة، آمده که از نظر ترتیب نزول، بیست و هشتمین سوره نازل شده در مدینه است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۳). در این آیه شریفه، خدای تعالی از پیمان اخذ شده از بنی اسرائیل خبر می‌دهد که در آن به اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران الهی و یاری و بزرگداشت آنان، و قرض حسن به خدا دستور داده شده است.

در اینجا نیز امر به قرض حسن دادن به خدا در ردیف ایمان آوردن به پیامبر و یاری پیامبران قرار گرفته است و این نشان می‌دهد که مقصود از قرض حسن به خدا، قرض دادن به بندگان خدا یا هرگونه انفاق در راه خدا نیست؛ بلکه مقصود از آن، جهاد مالی، یا جهاد مالی و جانی در راه یاری پیامبران است؛ اما در این آیه نیز احتمالاً جمله «عَزَّرْتُمُوهُمْ» معنای قرض حسن را از مجاهدت بدنی انصراف می‌دهد و به کمک مالی محدود می‌کند. اینکه برخی مفسران «قرض حسن» در این آیه را به انفاقات مستحبی، و ایثای زکات را به انفاقات واجب تفسیر کرده‌اند (ر.ک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۲۴۰)، پذیرفته نیست؛ زیرا بعد از آنکه تعبیر «ایثای زکاة» در آیات فراوانی در کنار «اقامه صلاة» آمده و مقصود از آن، به‌ویژه در

آیات مکی، مطلق انفاقات در راه خداست (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۷۰)، بدون دلیل روشن نمی‌توان در این آیه یا هر آیه دیگر این تعبیر را به پرداخت زکات واجب محدود کرد. افزون بر اینکه فاصله شدن جمله «عزّرتموهم» میان ایتای زکات و قرض دادن حسن، شاهی گویاست بر اینکه مقصود از «قرض حسن» در این آیه، انفاقات مستحب و از قبیل ذکر خاص بعد از عام نیست.

حاصل این بررسی نشان می‌دهد که با توجه به کاربرد «قرض حسن» در فرهنگ عرب، می‌توان گفت که مفهوم قرآنی «قرض حسن به خدا» قابل تفسیر به معنای عام «هر نوع عمل خداپسندانه، اعم از مالی و بدنی» است؛ اما با نظر به سیاق آیات مشتمل بر این مفهوم و سیاق کل قرآن، مقصود از «قرض حسن به خدا»، اولاً کمک‌های مالی است که مؤمنان در راه جهاد با دشمنان و به‌منظور دفاع از دین خدا و حاکمیت اسلام، در اختیار پیامبر قرار می‌دهند؛ ثانیاً با توجه به برخی آیات، مانند آیه ۲۰ سوره مزمل و آیه ۱۸ سوره حدید، علاوه بر قرض مالی، احتمالاً شامل مجاهدت بدنی و یاری غیرمالی به پیامبر در راه دفاع از دین یا ترویج دین هم می‌شود.

تفسیر «قرض حسن» در روایات اهل‌بیت

درباره «قرض حسن» در قرآن، روایات متعددی از امام صادق و امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که این مفهوم قرآنی را با تعابیر مختلف به صلّه و هدیه مالی بخشیدن به امام معصوم تفسیر کرده‌اند؛ مثلاً در یک روایت از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام «قَرْضًا حَسَنًا» به صلّه دادن به امام (صلّة الامام) یعنی بخشش مالی به امام معصوم (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۰۲) و در روایت دیگر از همین امام به هدیه و بخشش مالی به امام در دولت‌های فاسق تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۰۲).

همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام، حضرت با بیان اینکه نزد خدا چیزی محبوب‌تر از اختصاص درهم به امام علیه‌السلام نیست، مقصود از «قرض حسن» را صلّه به امام تفسیر کرده‌اند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۵۳۷). همچنین در روایتی دیگر از همین امام آمده است: درهمی که به امام صلّه داده شود، از هزاران هزار درهمی که در مورد دیگری فی‌سبیل‌الله هزینه گردد، بهتر است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۱۱). در روایت دیگری از آن حضرت، «قرض حسن» به صلّه رحم، و سپس «رحم» به خویشاوندی آل محمد علیهم‌السلام، یعنی اهل‌بیت خاص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تفسیر شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۴۱).

ممکن است معانی بیان‌شده در این روایات، تأویل یا معنای باطنی این آیات یا یکی از مصادیق مفهوم عام «قرض حسن» تلقی شود؛ چنان‌که برخی از مفسران شیعی به همین دیدگاه دوم گرایش یافته‌اند؛ اما همان‌گونه که بیان شد، مطابق سیاق، در قرآن مجید، این تعبیر قرآنی صرفاً در همین مصداق خاصش به‌کار رفته و بر مصادیق دیگر آن دلالتی ندارد؛ همانند بسیاری از کلمات دیگر که در قرآن در معنای خاص‌تری از کاربرد گسترده لغوی‌شان به‌کار رفته‌اند.

همچنین روشن شد که روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام مبتنی بر دقیق‌ترین تفسیر از «قرض حسن» بوده و کاملاً با سیاق آیات و بررسی موضوعی این مفهوم در قرآن منطبق است، و این روایات درصدد بیان معنای باطنی یا بیان یکی از مصادیق قرض حسن در کنار دیگر اتفاقات - آن‌گونه که مفسران پنداشته‌اند - نیست؛ منتها با در نظر گرفتن این نکته که ائمه علیهم السلام آیه شریفه را در همان چارچوب عصر نزول، یعنی کمک برای دفاع از کیان دین و ترویج و گسترش آن، اما متناسب با زمان خود تفسیر کرده و مصداق امروزی آن را برای مخاطب بیان داشته‌اند؛ زیرا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها کسی که شایسته جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است و باید در زیر پرچم او به جهاد در راه خدا و دفاع از دین و حاکمیت اسلام و گسترش دین در زمین اقدام کرد و در این راه به بذل مال و جهاد اقدام کرد، امام معصوم است. این تفسیر از اهل بیت علیهم السلام به ما اجازه می‌دهد که مدلول قرض حسن در زمان غیبت امام معصوم را به کمک‌های مالی مؤمنان به منظور ترویج دین و دفاع از کیان دین و جامعه مسلمانان به نایبان امام معصوم، یعنی فقهای جامع‌الشرایط یا ولی‌فقیه در حکومت، تعمیم و توسعه دهیم. ناگفته نماند که اگر مبنای مفسر یا محقق این باشد که آیات شریفه قرآن، علاوه بر دلالت سیاق و اولی خود، این قابلیت را دارند که با قطع نظر از سیاق نیز تفسیر شود و معنای غیرسیاقی آنها هم حجت است، در این صورت می‌تواند بعد از این معنای اولی و اصلی آیه، آیات قرض حسن را به هر یک از احتمالات دیگرش نیز تفسیر کند.

نتیجه‌گیری

از رهگذر بررسی دیدگاه‌های مفسران در تفسیر «قرض حسن» روشن شد که بیشتر مفسران متقدم، این مفهوم را بدون در نظر گرفتن سیاق، و عام تفسیر کرده و برای «قرض» معانی‌ای مانند اتفاق تبرعی، صدقه، قرض دادن به مردم، عمل صالح، اتفاق در راه خدا و... را بیان کرده‌اند. با بررسی مفهوم «قرض حسن» در لغت و فرهنگ عرب به دست آمد که ترکیب وصفی «قرض حسن»، در معنای رفتار و تعامل نیکو و حمایت‌گرانه و مدح‌آمیز با دیگری به قصد دریافت پاداش به کار رفته است، اعم از کمک مالی یا بدنی و نظیر آن، که شخص با هدف دریافت پاداش انجام می‌دهد؛ در مقابل «قرض سیئ» به معنای رفتار سوء و عیب‌جویانه و مذمت‌گرانه. بر این اساس، مفهوم «قرض حسن به خدا» در قرآن را می‌توان به معنای هر نوع عمل خداپسندانه دانست؛ اما با بررسی موضوعی این مفهوم در قرآن به دست آمد که این مفهوم در قرآن، اولاً در مصداق کمک‌های مالی و احیاناً در برخی آیات، مجاهدت غیرمالی (مجاهدت بدنی و زبانی و...) مؤمنان در راه جهاد با دشمنان به منظور دفاع از دین خدا و تثبیت حاکمیت اسلام، در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و تحت رهبری آن حضرت بوده است؛ ثانیاً با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام، این کمک‌های مالی و جهاد بدنی در دوره پس از پیامبر صلی الله علیه و آله با همان اهداف یادشده به امام معصوم اختصاص یافته و در عصر غیبت نیز به نواب عام امام قابل تعمیم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. روش تحلیل محتوا (Content Analysis) روشی است متن‌محور که در آن تکتک واژگان و سپس استخراج مقوله‌ای کلی از متن، معنایی فراتر از آنچه در نگاه اول حاصل شده بود، به‌دست می‌دهد (ر.ک: فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱). تحلیل متن در ارتباط با متنی معنا پیدا می‌کند که برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد (عزتی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۰). در این روش تلاش می‌شود مراحل شکل‌گیری و ایجاد یک متن شناسایی شده و به واکاوی متن پرداخته شود و بدین ترتیب، تبیین مقبول‌تری از پدیده اختلاف در فهم متون دینی ارائه دهد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۲). در روش مورد نظر بر دو مؤلفه تأکید می‌شود: نخست آنکه هر واژه قرآن در فرهنگ عرب عصر نزول بررسی و نزدیک‌ترین معانی به آن عصر استخراج می‌شود؛ دوم آنکه پس از کشف معنا یا معانی واژه در فرهنگ عرب، همه آیات مشتمل بر آن واژه از قرآن استخراج و به ترتیب نزول مرتب می‌گردد و با تکیه بر یک تحقیق موضوعی، معنای قرآنی آن واژه از مجرای کاربردهای قرآنی‌اش کشف می‌شود، و سرانجام معنای نهایی واژه با توجه به کاربرد قرآنی تعیین خواهد شد (ر.ک: خولی، ۱۹۶۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۴؛ بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص ۲۱۴؛ طیب‌حسینی، ۱۳۹۵، ص ۳۸ به بعد).

- الوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، بی‌چاپ، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، جمال‌الدین، ۱۴۲۶ق، *لسان العرب*، بیروت، مؤسسه الأعلمی المطبوعات.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ازهری، محمدبن احمد، بی‌تا، *تهذیب اللغة*، بی‌چاپ، بیروت، دار احیاء التراث النبوی.
- اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، داد.
- امین، نصرت بیگم، بی‌تا، *تفسیر مخزن العرفان*، بی‌جا، بی‌نا.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه البعثة.
- بلاغی، عبدالحجّه، ۱۳۸۶ق، *حجّة التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، قم، حکمت.
- بنت الشاطی، عایشه، ۱۴۰۴ق، *الاعجاز البیانی للقرآن و مسائل نافع ابن ازرق*، بی‌چاپ، قاهره، دار المعارف.
- پویان، مرتضی، ۱۳۹۳، *پژوهشی در باب قرض الحسنه در اسلام*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- تقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، چ دوم، تهران، برهان.
- جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، ۱۳۶۲، *تفسیر شاهی*، تهران، نوید.
- جوهری، اسماعیل بن حمار، ۱۳۷۶ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، قاهره، دار العلم الملایین.
- خولی، امین، ۱۹۶۱م، *مناهج تجدید*، بی‌جا، دار المعرفه.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بی‌چاپ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۴ق، *مفردات الفاظ القرآن الکریم*، چ سوم، قم، ذوی القربی.
- رشیدرضا، محمد، ۱۴۱۴ق، *تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار*، بی‌چاپ، بیروت، دار المعرفه.
- زرکشی، محمدبن بهادر، ۱۴۱۰ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۴ق، *الفائق فی غریب الحدیث*، بی‌چاپ، بیروت، دار الفکر.
- _____، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سیدبن قطب، ۱۴۲۴ق، *فی ظلال القرآن*، چ پانزدهم، بیروت، دار الشروق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۷ق، *تفسیر البیان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- _____، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان ابن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الکبیر*، اردن، دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- _____، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب‌حسینی، سیدمحمد، ۱۳۹۵، *درآمدی بر دانش مفردات*، چ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام.
- عزتی، مرتضی، ۱۳۷۶، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
- عباشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *کتاب التفسیر*، بی‌چاپ، تهران، علمیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.

فیروزان، توفیق، ۱۳۶۰، *روش تحلیل محتوا*، تهران، آگاه.

فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۲۵ق، *مصباح المنیر*، چ سوم، قم، مؤسسه دار الهمجره.

قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصرخسرو.

کاشانی، فتح‌الله، بی‌تا، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، اسلامیة.

کاشفی، حسین بن علی، بی‌تا، *تفسیر حسینی (مواهب علیہ)*، سراوان، نور.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحق، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، *تفسیر روئسن*، تهران، کتاب.

مصلائی پور، عباس و محمدحسین شیرزاد، ۱۳۹۶، «بازخوانی مفهوم قرض در قرآن کریم با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی»،

مطالعات اقتصاد اسلامی، ش ۱۸، ص ۷-۳۰.

مقدم، وحید، جانی پور، محمد و علی خلیلی، ۱۳۹۶، «الگوی بازار قرض الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، *اقتصاد*

اسلامی، ش ۶۵، ص ۳۳-۶۱.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

ملکی میانجی، محمدباقر، ۱۴۱۴ق، *مناهج البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.